

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت قسمت بیست و پنجم

جرم یک عمل شخصی است ...
آیا انتساب جرایم و خیانت افراد، نهاد و سازمانها بنام یک کشور مناسب است؟
آیا عادلانه است اگر اطلاق شود «افغانستان» در ردیف کشورهای مفسد جهان و و
اطلاق این جنایات بنام یک مملکت چرا؟
آیا همه شهروندان و اتباع کشور فاسداند؟
ببینید؛ انسان در ذات خود از مادر جنایتکار و دانشمندزاده نمی شود،
ولی بعد از تولد دیگران او را در راه مثبت و یا منفی سوق میدهند.

اگر عده از اهالی بشر و یا تعدادی از نهادها و سامانهای یک جامعه معین جنایت کار
بر مجموع نسل یک و خیانت کار بوده و یا به این صفات آغشته می شوند، اطلاق آن
کشور و یا یک جغرافیای معین (ملک و وطن، ملت و شهروندان آن) خلاف نرَم های حقوقی
و در حقیقت تخطی اخلاقی و نظام قانونی است زیرا جرم یک عمل شخصی و مربوط به
عامل آن بوده و اشخاص دیگر بدون مجوز قانونی مسئولیت جرمی او را بدوش نمی کشند
فکر می کنم ما نمیتوانیم زمانی که جرایمی از جانب تعدادی از اعضای یک جامعه و یا
نهادهی سر می زند مجموع جامعه را فاسد و خاین بدانیم
جامعه بشری با مجموع از اعضای خانواده خود اگر خوب اند و یا بد جوامع بشری را
تشکیل می دهد که همه خوب و یا بد نیستند!
بر همین بنیاد مابا تفکر سالم در می یابیم که انسان در خلقت خویش بگونه طبیعی زاده می
شوند و بعد از تولد در صورت زنده ماندن شخصیت آن آغاز و بعد از رشد و بلوغ و یافتن
اهلیت کامل چگونگی شخصیت اندک اندک با رویکرد های عملی اگر کار نیکوست و یا
افعال بد تبارز و عملکردها و گفتار و کردار آن شخصیتش را تعیین و نمودار می
سازد و بالاخره جایگاه او را در جامعه محل زیستش تعیین می کند قانون مدنی افغانستان
ایجاد بدویت این مرحله را چنین شرح می دهد:
(۱) شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات انجام می یابد.
(۲) جنین دارای حقوقی می باشد که قانون بر آن تصریح نموده است:

اما هدف در این بخشی از پژوهش این است که: انسان بطور طبیعی از مادر نه جانی زاده
میشود و نه هم یک انسان حاوی صفات عالی و دانشمند حرفوی که جامعه به آن نیاز دارد
ولی هر انسان استعداد پذیرش و گرایش خوب و بد را در وجود خود دارد که مطابق
رهنمای های سالم و غیر سالم دیگران مایل و گرویده آن انحرافات و یا صفات ستایشی می
گردند:

اکنون اگر: بر مبنای مفهوم واقعی و یا به ارتباط آنچه ارائه شد نتیجه بگیریم!

انسان در خلقت خویش جانی و خاین بدنیا نمی آید و یا انسان با تخمیر وجود و جوهر معنوی خویش از مادر جانی و جنایتکار و یا نابغه دوران زاده نمی شود و علل و انگیزه های ماسوای دیگری وجود دارد که او را از راهای مثبت انسانی و تعلیم و دانش به نبوغ برساند و یا بوسیله تشویق و درس غلط دیگران شخصیت مضر و منحرف به جامعه تقدیم شود و اگر این موضوع خوبتر ارزیابی گردد دیده می شود که عوامل عدیده دیگری هم وجود دارد که مسبب ایجاد و انگیزه ها در ایجاد شخصیت سالم و یا مضر جامعه از همان ریشه و اساس در آن سهیم بوده می تواند بگونه مثال آمیزش با همنوعان جنایتکار، فقر و مجبوریت های زندگی، تأثیرات محیط زیست، و غیره و غیره

به هر صورت؛ با بر داشت از آنچه خواندیم، میهن ما در چندین دهه اخیر با پدیده ها و اعمال ثابت و درد آوریکه بدوش کشیده و با بار جنایات سنگین بر خانواده بشریت افزون گشته اند همان جهات منفی است که خرد انسانی آن را محکوم و شایسته خیر بشر و انسان نمی داند و در تقابل به آن اعمالیکه در حمایت از رفاه جامعه و تقویة منافع افراد آن رویکردی داشته و مفید حال جامعه توصیف گردد کمتر و ناچیز بوده است. ولی با تأسف و تألم جهات منفی و گشنده مصیبت های ردیف شده بالا - در چندین دوره سیاه و از منة معین در سرزمین مظلوم ما بساط گسترده و همین محدوده رنج دیده را هدف قرار می دهد و عده از شهروندان غافل را به انواع گوناگون طور پلان شده در همان راه نابودی تریبه و سوق می دهند.

اکنون سوال اساسی اینجاست که چنین عناصر و یا بصراحت ذکر شود اشخاص و مراجع هدایت دهنده و مصادر امر و منشأ عمل اگر داخلی اند و یا بیرونی - افغان اند و یا غیر افغان به کدام تعریف قانونی مسمی هستند در حالیکه اگر بالفعل عاملین جنایت نیستند در واقعیت شرکای مباشر و ایجاد گر عناصر متشکله جرمی بوده در ایجاد جنایات سهیم و حاوی حالات مشدده و معاونه بوده می توانند.

آیا گاهی در این رابطه دقت و توجه، تحقیق و تدقیق و یا بررسی لازم بعمل آمده است اگر آمده است نتیجه ماحصل آن چه و کدام است؟

من میخوامم به عرض برسانم که برداشت و فهم من از حدیث و سخن یاد شده وقوع و ارتکاب جرایم و چگونگی وقوع و سرایت آن است که صرف مربوط مرتکبین آن می گردد قانون اساسی و وطن ما حکم می کند:

(جرم یک عمل شخصی است.)

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند. بر همین بنیاد اگر منظور از عدالت اجتماعی، عدالت واقعی باشد پس عدالت هیچگاهی بار جرم و جنایت مرتکبین آنرا از دوش آنها دور و بر شانه دیگران بار نمیزند بر همین اساس لطفن جنایات مجرمین بخصوص را بر دوش ملت مظلوم طور اضافی بار نزنید و درد شانرا دوچندان نسازید. من این مطلب را در راستای پژوهش فعلی خود مضاعف می سازم.

باقی دارد

با حرمت سخی صمیم.